



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری: ۱۵ دقیقه



نام آزمون: عربی ۱۲ انسانی درس ۲ تستی

تاریخ آزمون:

۱ عَيْن ما لَيْسَ فِيه الحال:

- ۱ أرجو له أن يعيش متمتعاً بصحة كاملة. ۲ رأيت وجهه متمسماً بمدح معلميه و يشكرهم.
- ۳ لم يكن المؤمن يقضى ليلة خائفاً مضطرباً. ۴ يُعجب عمل المرأة العائدين من ساحة المعركة.

۲ عَيْن ما فِيه الحال:

- ۱ جاء لنا مدعوون كثيرون هم تناولوا الطعام في ساعة متأخرة! ۲ جاء ضيوف كثيرون و جاء صاحب البيت و استقبلهم بحفاوة!
- ۳ جاء الضيوف الكثيرون و هم يتكلمون عن ذكريات الضيافة! ۴ جاء لنا المدعوون الكثيرون حين كنا نتكلم مع أصدقائنا!

۳ عَيْن الخِطَأُ حَسَبَ التَّوْضِيحَات:

- ۱ المَنْجُمُ مُجْرَى للماءِ و إن كَانَ ضَيْقاً أو وِاسِعاً! ۲ تَطْوِيرُ الشَّيْءِ هُوَ تَعْدِيلُهُ و تَحْسِينُهُ إِلَى مَا هُوَ أَفْضَلُ!
- ۳ الطَّنُّ وَزَنٌ لِلأَشْيَاءِ الثَّقِيلَةِ يُعَادِلُ أَلْفَ كِيلُوجَرَامٍ! ۴ خِيْبَةُ الأَمَلِ هِيَ أَنْ يَفْقَدَ الشَّخْصُ رَجَاءَهُ فِي عَمَلِهِ!

۴ عَيْن «مُتَوَكَّلًا» يَكُونُ حَالًا:

- ۱ رَبِّي اجْعَلْ وَوَدَى مُتَوَكَّلًا عَلَى اللَّهِ دَائِمًا. ۲ مَا رَأَيْتُ فِي حَيَاتِي رَجُلًا مُتَوَكَّلًا عَلَى اللَّهِ كَوَالِدِي.
- ۳ شَارَكْتُ فِي الامْتِحَانَاتِ مُتَوَكَّلًا عَلَى اللَّهِ. ۴ مِنَ الأَفْضَلِ أَنْ تَكُونَ مُتَوَكَّلًا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ.

۵ عَيْن حرف «الواو» يَخْتَلِفُ:

- ۱ إِنَّ العَامِلَ يَعْمَلُ بِجِدٍّ وَ هُوَ يَشْعُرُ بِأَلَمٍ فِي رِجْلِهِ! ۲ عَلَيْنَا أَلَّا نَتْرَكَ أَصْدِقَائِنَا وَ هُمْ مَحْتَاجُونَ إِلَيْنَا!
- ۳ الإنسانُ المُتَفَاتِلُ لَهُ مَنَظَارٌ جَمِيلٌ وَ لَا يَرَى الأَهْدَافَ بَعِيدَةً! ۴ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَجَالِسُ الجَهَالَ وَ هُمْ لَا يَنْفَعُونَهُ بَلْ يَضُرُّونَهُ!

۶ أَيُّ مَنْتَخَبٍ مَنَاسِبٌ لِلحَالِ: «يَلْعَبُ الطُّفْلُ فِي الغُرْفَةِ...»

- ۱ صامتاتٍ ۲ صامتاً ۳ صامتتين ۴ الصامت

۷ مَيِّزُ الحَالِ فِي « قَطَعَ الرَّجُلُ مَسَافَةً ثُمَّ عَادَ مُعْتَذِرًا »:

- ۱ مَسَافَةً ۲ قَطَعَ الرَّجُلُ ۳ عَادَ مُعْتَذِرًا ۴ مُعْتَذِرًا

۸ عَيْنُ غَيْرِ الصَّحِيحِ حَوْلَ الكَلِمَتَيْنِ «اسْتَقْبَلُ، مَشْهُورًا» فِي العِبَارَةِ:

«اسْتَقْبَلُ النَّاسَ حَاكِمَ المَدِينَةِ بِكُلِّ حَفَاوَةٍ لِأَنَّهُ كَانَ مَشْهُورًا بِالْعَدْلِ وَ الحِكْمَةِ.»

- ۱ استقبل: فعل ماضٍ، مزيد ثلاثي من باب استفعال، للغائب / مشهوراً: اسم مفعول خير لكان ۲ استقبل: فعل ماضٍ، له ثلاثة أحرف زائدة / مشهوراً: مفرد مذكر و اسم مفعول
- ۳ استقبل: فعل و فاعله الناس / مشهوراً: خبر لكان ۴ استقبل: فعل ماضٍ، مزيد ثلاثي من باب افتعال / مشهوراً: اسم مفعول، اسم لكان

۹ عَيْنُ الحَالِ

- ۱ إذا ذَهَبَتْ وَ هَجَرْتَنِي أَصْبَحْتُ وَحِيدًا! ۲ لا يَفْسِدُ اللَّحْمُ فِي الهَوَاءِ البَارِدِ مَدَّةً طَوِيلَةً!
- ۳ ترك الوطن لا يكون على مُعْجِبِهِ سَهْلًا بَلْ صَعْبًا! ۴ إِنِّي شَاهَدْتُ أَحَدَ الأَصْدِقَاءِ صَبَاحًا مَشْغُولًا بِالرَّيَاضَةِ!



۱۰ عَيْنُ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

۱ هذه الحادثة لم تُضعف عزمه: ابن حادته اراده‌اش را تضعیف نکرد.

۲ بعد أن اُخترع نوبل الديناميت، ازدادت الحروب و إن كان غرضه مُساعدة الإنسان: پس از آنکه نوبل دینامیت را اختراع می‌کند، جنگ‌ها افزایش پیدا کرد چرا که هدفش کمک به مردم بود.

۳

«إن الذين آمنوا و عملوا الصَّالحاتِ إِنَّا لا نضيع أجرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا»: بی‌شک کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، قطعاً ما پاداش کسی که کاری را به‌درستی انجام داد، تباه نمی‌کنیم.

۴ هل تُعطى الجوائزُ اليومَ لِمَنْ هُوَ أَهْلٌ لِذَلِكَ؟ آیا امروزه جوایز به کسی که شایسته آن است، داده می‌شود؟

۱۱ ما هُوَ الصَّحِيحُ فِي تَرْجَمَةِ الْمَفْرَدَاتِ؟

«كَانَ وَالِدُهُ قَدْ أَقَامَ مَصْنَعًا لِصِنَاعَةِ مَادَّةِ «التُّرُوغْلِسِيرِين» السَّائِلِ السَّرِيعِ الْإِفْجَارِ وَكَو بِالْحَرَاةِ الْقَلِيلَةِ.»

۱ تأسیس کرد - کارگاهی - مایعات - اگرچه

۲ راه‌اندازی کرده بود - کارخانه‌ای - جامد - حتی اگر

۳ برپا داشت - کارخانه - جامد - هرچند که

۱۲ عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي مَا جَاءَ فِيهَا الْحَالُ:

۱ كُنَّا نَطُوفُ بِالْكَعْبَةِ الشَّرِيفَةِ مُشْتاقِينَ لِفَهْمِ أَسْرَارِهَا.

۲ الأعباءُ الفائزاتُ يأخذُنَّ جوائزَهُنَّ مُبتسماتٍ طولَ البرنامجِ.

۳ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنَ بِاللَحْمِ وَ دَمِهِ.

۴ أَشَاهِدُ مِنْ بِنَاءِ مُرْتَفِعٍ يَوْمًا مَاطِرًا لا أُنْسَى جَمَالَهُ.

۱۳ أَيُّ عِبَارَةٍ جَاءَ فِيهَا (الْحَالُ)؟

۱ يا لَيْتَنِي أَذْهَبَ إِلَى مَكَّةَ الْمَكْرَمَةِ مَرَّةً أُخْرَى.

۲ جَلَسَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ أَمَامَ التَّلْفَازِ مُشَاهِدِينَ الْحَجَّاجِ.

۳ كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَ يَرَى هَذِهِ الْمَنَاطِرَ يَشْتاقُ إِلَيْهَا.

۴ أَنَا أَتَذَكَّرُ جَبَلَ النُّورِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَتَعَبَّدُ فِي غَارِ حِرَاءِ الْوَاقِعِ فِي قَمْتِهِ.

۱۴ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

عامل الناس مثلما تحبُّ أن يُعاملوك، و لا تكن ذا وجهين!

۱ با مردم آنطور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند، و دو رو مباش!

۲ طوری با مردمان معامله نمای که دوست داری با تو دادوستد شود، پس دو چهره نباش!

۳ با مردم همانطور معامله کنید که دوست داشته‌اید با شما عمل کنند، پس از دورویان نباشید!

۴ به گونه‌ای با مردم رفتار کنید که دوست می‌دارید با شما رفتار شود، و دارای دو چهره مباشید!

۱۵ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«واصل مُحاولاتِكِ دُوًّا حَتَّى تَصِلَ إِلَيَّ مَا تُرِيدُ مِنَ الْأَهْدافِ»

۱ واصل: فعل ماضٍ، للغائب / فعل و مع فاعله جملة فعلية

۲ مُحاولات: جمع مؤنث سالم، اسم المفعول، معرب / مفعول و منصوب

۳ دُوًّا: اسم، مفرد مذكَّر، معرب، نكرة / حال و منصوب بالفتحة

۱۶ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْإِعْرَابِ:

«وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا.»

۱ عباد: اسم - جمع تكسير أو مكسَّر و مفردة (عبد، مذكَّر)، مبتدأ و مرفوع

۲ الجاهلون: اسم - معرب - الجمع السَّالم للمذكر و مفردة (الجهال) / فاعل و مرفوع

۳ خاطب: فعل ماضٍ - مزيد ثلاثي من باب مفاعلة - له حرف زائد / فعل و فاعله «الجاهلون»

۴ يمشون: فعل مضارع - للغائب - مجرد ثلاثي - معلوم - حروفه الأصلية ثلاثة / خبر و فاعله محذوف

۱۷ عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ «الْحَالُ»:

۱ شفى المريض من مرضه معتقدًا أن سبب شفائه التوكُّل!

۲ جاء المعلم، فهو سيَّسألنا عن الدروس سوَّالات!

۳ تلونا آيات شريفة من القرآن و هى مؤثرة فى قلوبنا!

۴ تعجَّبنا من التلميذات حاصلات على المكائنة العلمية!

۱۸ عَيْنُ حَرْفِ «الواو» يَخْتَلَفُ:

۱ إنَّ العاملَ يعملُ مجدًّا و هو يشعرُ بألمِ فى رِجلِهِ!

۲ علينا ألا نترك أصدقائنا و هم محتاجون إلينا!

۳ الإنسانُ المُتفائلُ له منظرٌ جميلٌ و لا يرى الأهدافَ بعيدة!

۴ من النَّاسِ من يجالسُ الجَّهالَ و هم لا يتفعونهُ بل يضرُّونهُ!



۱۹ عین الخطأ :

- ۱ « قالوا لا علم لنا إنك أنت علام الغيوب »: گفتند هیچ دانشی نداریم قطعاً تو بسیار دانای نهان‌ها هستی!
- ۲ مُنِعْتُ عن الموادِّ السُّكَّرِيَّةِ و لَكُنْتُ لم أهتمَّ به !: از موادّ قندی باز داشته شدم ولی به آن توجه نکردم!
- ۳ نَسْتَمِعُ إلى ما تقولينه بروح وقلبِ راضينَ !: آنچه را شما می‌گویید با دل و جان و با رضایت می‌شنویم.
- ۴ إنه يعرف جيداً ما سيكونُ مُستقبلنا !: بی‌گمان او به خوبی می‌داند که آینده ما چه خواهد بود!

۲۰ عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة من أو إلى العربية:

« هؤلاء الرّجال يعلمون على تطوير صناعة البلاد مُجدّين لأنّ مستقبل البلاد سيكون بأيديهم ! »:

- ۱ این مردان برای بهبود صنعت کشور تلاش می‌کنند چون آینده کشور به دست آنان داده خواهد شد!
- ۲ این مردان با تلاش برای بهبود صنعتی کشور تلاش می‌کنند زیرا آینده کشور به دستان ایشان خواهد بود!
- ۳ این‌ها مردانی‌اند که برای پیشرفت صنعتی کشور کار می‌کنند زیرا آینده کشور به دستانشان خواهد بود!
- ۴ اینان مردانی هستند که تلاشگرانه صنعت کشور را پیشرفت می‌دهند چون آینده آن به دستشان است!



پاسخنامه تشریحی

۱) «المائدین» مفعول برای فعل «یُعْجَب» می‌باشد. (کار زن بازگشتگان از میدان جنگ را شگفت‌زده می‌کند).
در گزینه‌های دیگر «مَتَمَتُّعًا»، «مَبْتَسِمًا» و «خَانِفًا مَظْطَرِبًا» حال هستند.

۲) «هم یتکلمون» جملهٔ حالیه است.
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱: «مَتَأَخَّرَ»: صفت برای «ساعة»
گزینهٔ ۲: «بِحِفَاوَةٍ» جار و مجرور است.

گزینهٔ ۴: هیچ کلمه‌ای که مشکوک به حال باشد وجود ندارد.

۳) عبارت «مجرایی برای آب هرچند باریک یا پهناور باشد» تعریفی از «قَنَاءَةٌ» (کانال) است، نه «مَنْجَم» (معدن).

۴) با توکل بر خداوند در امتحانات شرکت کردم. «مُتَوَكِّلًا» حال است، زیرا حالت شخص را هنگام مشارکت در امتحان نشان می‌دهد و می‌توان آن را از جمله حذف کرد.
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱: پروردگارا! پسر مرا همیشه متوکل بر خداوند قرار بده. «مُتَوَكِّلًا» مفعول دوم فعل «اجْعَلْ» است و اگر از جمله حذف شود، جمله ناقص می‌شود.

گزینهٔ ۲: در زندگی ام مرد متوکل بر خدا همچون پدرم ندیدم. «مُتَوَكِّلًا» صفت برای «رَجُلًا» می‌باشد.

گزینهٔ ۴: بهتر است بر پروردگار جهانیان توکل کنی. «مُتَوَكِّلًا» خبر تَکون می‌باشد و غیر قابل حذف از جمله است.

۵) در گزینه‌های ۱، ۲ و ۴، واو حالیه به کار رفته است؛ زیرا ساختار «و + جملهٔ اسمیه» برای بیان حالت استفاده شده است، اما حرف واو در گزینهٔ ۳، تنها برای عطف به کار رفته است و حالیه نیست.

۶) در تناسب با ذوالحال «الطِّفْلِ» که مفرد مذکر است، «صامتًا» حال مناسب است.

۷) «مُعْتَدِرًا» حال مفرد و منصوب است و صاحب حال آن «الزَّجَل» می‌باشد و کلمهٔ «مَسَافَةً» مفعول به برای فعل «فَطَعَ» می‌باشد.

۸) «استقبل: فعل ماضی، للغائب - ثلاثی مزید از باب «استفعال»، له ثلاثة أحرف زائدة، مشهوراً: اسم مفعول و خبر كان

ترجمة عبارت: مردم از حاکم شهر با گرمی تمام استقبال کردند زیرا او به عدل و حکمت مشهور بود.

۹) در گزینهٔ ۴، «مشفولاً» حال است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱: «وَحِيدًا» برای تکمیل معنای «أصبح» آمده است. (خبر است)

گزینهٔ ۲: «طَوِيلَةً» صفت است.

گزینهٔ ۳: «سَهْلًا» برای تکمیل معنای «يكون» آمده است. (خبر است)

۱۰) ترجمهٔ درست گزینه: پس از آنکه نوبل دینامیت را اختراع کرد، جنگ‌ها زیاد شد، هر چند که قصدش کمک به مردم بود.

۱۱) ترجمهٔ عبارت: پدر او کارخانه‌ای برای تولید مادهٔ نیترو گلیسرین تأسیس کرده بود، مایع سریع الانفجار گرچه با گرمایی اندک زود منفجر می‌شد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ ۴: همهٔ کلمه‌ها درست ترجمه شده است.

گزینهٔ ۱: تنها ولو درست ترجمه شده است.

گزینهٔ ۲: السائل به اشتباه جامد ترجمه شده است.

گزینهٔ ۳: فقط «ولو» درست ترجمه شده است.

۱۲) «مَاطِرًا» مشتق، نکره و منصوب و صفت برای «یوماً» می‌باشد و حال نیست. (از ساختمان بلندی روزی بارانی را می‌بینم که زیباییش را فراموش نمی‌کنم).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱: «مُشْتَقَاتٍ» حال است. (کعبهٔ شریف را مشتاقانه برای فهمیدن رازهای آن طواف می‌کردیم).

گزینهٔ ۲: «مُبْتَسِمَات» حال است. (بازیکنان برنده خندان در طول برنامه جایزه‌هایشان را می‌گیرند).

گزینهٔ ۳: «هو شَابٌ» جملهٔ حالیه است. (هر کس قرآن را بخواند در حالی که جوان مؤمن باشد در آن گوشت و خورش مخلوط می‌شود).

۱۳) «مَشَاهِدِينَ» حال مفرد

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱: (أَذْهَبُ: خبر لیت)

گزینهٔ ۳: (كُلُّ: مبتدا + یشتاقُ: خبر)

گزینهٔ ۴: (يَعْبُدُ: خبر كان است)

۱۴) «عامل»: رفتار کن (رد سایر گزینه‌ها) / «لا تَکُنْ ذَا وَجْهٍ»: دورو نباش (رد گزینه‌های ۳ و ۴)



۱۵) بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴

گزینه ۱) واصل: فعل امر و للمخاطب / گزینه ۲) مُحاولات: مصدر است و اسم مفعول نیست. / گزینه ۴) الأهداف: مجرور به حرف جر

۱۶) بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴

گزینه ۱) «مبني» نادرست است.

گزینه ۲) «مفرده الجّهال» نادرست است، مفرد آن «الجاهل» است.

گزینه ۴) «للفائين صحيح است». / «خير و فاعله محذوف» نادرست است.

۱۷) در این گزینه حال و جمله حالیه وجود ندارد. ۱ ۲ ۳ ۴

در سایر گزینه‌ها به ترتیب (معتداً، هي مؤثّرة، حاصلات) حال محسوب می‌شوند.

۱۸) در گزینه‌های ۱، ۲، ۴ و او حالیه به کار رفته است، زیرا ساختار «و+ جمله اسمیه» برای بیان حالت استفاده شده است، اما حرف واو در گزینه ۳، حالیه نیست. ۱ ۲ ۳ ۴

۱۹) ترجمه صحیح عبارت: «به آنچه می‌گویی، بادل و جان و با رضایت گوش می‌دهیم!» ۱ ۲ ۳ ۴

۲۰) «هؤلاء الرجال»: این مردان (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «يعملون» کار می‌کنند (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «تطوير صناعة البلاد»: بهبود صنعت کشور (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «مُجَدِّينَ»: (حال) با تلاش، تلاشگرانه (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «مستقبل البلاد»: آینده کشور / «سيكون» خواهد بود (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «بأيديهم»: به دستانشان

پاسخنامه کلیدی

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |

| | | | | |
|----|---|---|---|---|
| ۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |

| | | | | |
|----|---|---|---|---|
| ۱۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۳ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۴ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |

| | | | | |
|----|---|---|---|---|
| ۱۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۱۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۲۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |